

اقدام نماید چنانکه نسبت با تو باشد خود را در معرض غضب پادشاه
 مجازی آورده باشی اگر نسبت با دیگری باشد خود را در معرض غضب
 پادشاه حقیقی ساخته باشی و در ادب این معنی آورده که
 اگر سلطان برابر او را در خود او را خداوند کار خواند هر چند ترا در
 زیادت شود و در تعظیم افزای و چون ترا نزد او قریب باشد در انگیخته
 تلقی و تضرع بسیار نماید که علامت درشت و بیگانه است و اصلا
 برو اظهار مکن که مرا بر تو حقیقت با سابقه خدمتی بلکه بلو احوال خدمت
 سابق حقوق را بچند میدار چنانچه آخر آن را را احیا کند بر سلاطین
 بلکه اکثر نامس جوی که آخرش از اول منقطع باشد فراموش کند هیچ
 کار حفظ نامت از وزارت سلطان نیست و وزیر را هیچ معاون
 نامت نه و اگر بخدمت موسوم باشد باید که از نسبت در شتم خود
 زنجیر و اصلا از ان نفلی بخاطر راه نهد و اگر در یاد که حساب او
 در مقام کند و کید اند اصلا از ان متغیر نشود و از ایشان اظهار کینه
 و حقد نماید چه هر آنکه مودت کید ایشان شود و اگر مجادل ایجاد اند
 دایره و قمار بجای نگیرد و جواب بطریق حکم گوید که همیشه غلبه بر او باشد

و از ادب مجلس سلاطین و اکابر که اصلا در حضور ایشان
 مشورت نکند و چون سوال از دیگری کند اقدام بجواب نماید بلکه
 این ادب مطلقا رعایت باید کرد چنانچه سابقا ذکر یافت چه
 بحقیقت هم سبب خفت قایل باشد و هم موجب استخفا
 سایل و مسئول و اگر سایل گوید از تو غیر قسم مرا اینه قایل بجواب
 نماند و از سف خود مجالت باید و اگر جمعی سوال کنند مسابقت
 بجواب نماید چه هر ایزد ایشان را خوش نیاید بر سخن او عیب
 گیرند و اگر تاخیر کند تا دیگران جواب گویند و عیب و مزخرفی معلوم
 کند بعد از ان اگر فریدی بر ان باشد با رعایت ادب عرض کند
 تا باعث اظهار شود و باید که اصلا بر جمعی که ایشان را خند قریب
 باشد مقدم ننویسد و خاطر خود را بان برنجندار و دیگری بی نظیلت
 در قربت و مرتبه برود و راجع باشد چه هر کس را اگر چه در رعایت علو
 باشد مناسبت دانی با کسی تواند بود و اگر چه در نهایت
 دو باشد و همان مناسبت منشا محبت است و کتاب
 آن از حیطه قدرت خارج پس خود را بدین سبب تفضل نماید